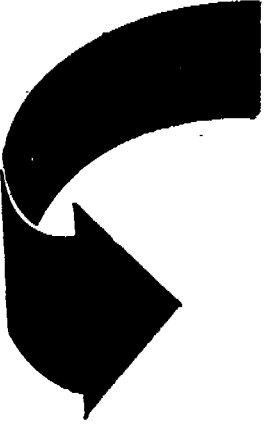


تالیف : Eric J . Sharpe
در مجله دین و ادیان (انگلستان)
ترجمه بفارسی از : منوچهر خدا یار محبی



برخی از مسائل روش در تحقیق دین یا روش تحقیق در علم ادیان

بطور کلی هنگامیکه برای «شناخت روش» در علمی به تحقیق آغاز می-
گردد برخورد در دو امر (کهن و نوین) امکان دارد که افراد متعلق به هر
یک از آن دو از آنچه که در جای دیگر و ناراحتی عصبی، نام دارد رنج میبرند.
زیرا تحقیقات پیشینیان به شدت از هم فروریخته است و موقعیت آینده آن در
معرض تهدید است ، بنابراین برآستی افراد چنین گروهی در گیر پرسشهایی
قرار می گیرند که محصول وضعیت جدید است . در این پرسشها شناخت
روشهای گذشته کافی بنظر نمی رسد (که معمولاً آنرا یک روش می دانند) و این
امور نیز لازم نیست محدود و منحصر به این دو طرف متقابل باشد . سستی
تحقیقات دیرین اولین نشان پیدایش امری نوین و سازنده است و با شناخت
روشها نیز ممکن است ارتباط داشته باشد . بهمین جهت این ناراحتی عصبی

آشکارا تنها پیش درآمد کارهای نوین است. من عقیده دارم اکنون ما در حال گذراندن چنین دورانی هستیم همانطور که مدتی نیز در چنین شرایطی بسر می بردیم و توجه نداشتیم که تحقیق در پیشرفت مسائل بطور انفرادی و جدا از عواملی که آنها را بوجود آورده است به آسانی قابل فهمیدن نیست.

البته برای بیگانه از دانش و بیننده ای اتفاقی به آسانی کافی است با نا شکیبائی همه بحثهای مربوط به شناخت روش را در قلمرو تحقیقات دینی رد کند و همه دانشمندان درون قلمرو دانش نیز بطور یکسان به مسائل شناخت روش علاقه ای ندارند. بسیاری از دانشمندان بزرگ که در گوشه و کنار قرار گرفته اند کم و بیش در قلمرو تحقیقات دینی طبق تشخیص خود روشهای قابل اجرائی را که دیگران طبقه بندی کرده اند بدون هیچ گونه هدف جدی در تحقیقات دینی وارد ساخته اند.

در زمان دیرین در تحقیق دین روش مقایسه رواجی بسزاداشت بهمین دلیل در اصول معین و فرضیات و پایه استدلال آن « خود بینی » نمایان بود. این اصول بندرت از یکدیگر جدا و بخش پذیر می گردید و حدود کار تحقیق طبق فرضیات مقامات پیشین در آنها معمول بود در صورتیکه تاریخ تحقیق دین در مدت پنجاه سال اخیر بطور بسیار گسترده ای بصورت تاریخ روشهای مخالف با یکدیگر است و دارای فرضیاتی است که یکی با دیگری تفاوت دارد. بنابر این لازم است حداقل چشم اندازی بنظام اینگونه روشها داشته باشیم نه بعنوان قاعده ای که یکطرفه گو و فاقد صلاحیت عنوان میسازد بلکه طبق قواعدی که پژوهنده ای پیشرو به کار می برد و از روش خود در بررسی های دست اول حداکثر سود را میبرد چنین کسی معمولا روشی را که پیشرو آنست به دیگران الهام میبخشد در نتیجه عده ای از او پیروی می کنند بنابر این در چنین کاری خواه و ناخواه مکتبی ایجاد میکند که از یک جهت با مسئله مورد بحث ما ارتباط دارد.

هدف این مقاله بسیار محدود است. منظور این نیست که روش جدیدی برای تحقیق دین پیشنهاد گردد بلکه بیشتر مقصود آنست که به نام تاریخ اندیشه‌ها امری ثمر بخش از طرح کنونی درباره مسئله روش تحقیق گردد. رویهمرفته من قصد دارم بطور تاریخی در یک طرف درباره بستگی میان تاریخ دین **Religionsgeschichte** و از طرف دیگر آنچه را که معلومات گوناگون بنام دین تطبیقی **Religionswissenschaft** نمایان میسازد تحقیق کنم که آن را بزبان آمریکائی « تاریخ ادیان » میخوانند. با اندکی بررسی و چشم اندازی گوناگون کوشش میکنم تا نشان دهم که با دو نیروی منحصر روبرو هستیم که با تحقیق دین ارتباط دارد. یکی پایه استدلال فرضیات قبلی و فنون روش تاریخی است. دیگری بکار رفتن روشهای گوناگون درست برای راه یافتن به بررسی اجمالی و فهم قلمرو دین بطور کلی.

بدیهی است هم اکنون تحقیقات دین دارای قلمرو کافی است. در نتیجه ارتباط آنها دانش پژوهان به زمینه‌های بسیار مختلف استدلال و تمایلات یکدیگر آشنا می گردند از این جهت مسائل مربوط به روش تحت تأثیر شرایط نیروهای قراری گیرند که همه آنها در قلمرو دانش نیست بعضی تاریخی و برخی ملی و شخصی و دستهای دیگر نیز جنبه زبانشناسی دارد. در داخل بعضی از آنها ممکن است از نظر مایه و طبیعت روشهایی دیده شود که مورد پسند نباشد و نتوان همواره آنها را بطور کامل پذیرفت. در نظر تاریخ شناسان که با اندیشه‌ها ارتباط دارند این اصل ارجح است که در بیان زمینه‌های شناخت روش تحقیق تاریخی مقدم بر سایر امورات و معلومات تاریخی باید آغاز کار قرار گیرد.

پیدایش تحقیق ادیان نتیجه صورت پذیرفتن سه عامل است که تاریخ افکار مغرب زمین قرنهای بخوبی با هر سه آشناست زیرا تحقیق در این امر به دیار مغرب تعلق دارد ارتباط این سه اصل در ربع سوم قرن نوزدهم ایجاد شد که من آنها را

«انگیزه» و «مواد» و «روش» نام می‌گذارم (۱)

مقصود از «انگیزه» تمایل انسان برای بررسی آداب دینی دیگر (غیر از دین خود او) است. کیفیت چنین آمادگی در قلمرو تحقیقات دینی بسیار سودمند است و به ندرت ممکن است این انگیزه آشکار نباشد. بدیهی است که نیاز روحانی و معنوی هر کس در قالب دینی قرار دارد که به آن معتقد است و احتمال دارد پیروان سایر ادیان (جز خودش را) حقیر بشمارد و آنان را دارای عقیده‌های خطرناک و بدعت‌گذار بداند و بادید بوالهوسی‌های پیشینیان بدانها بنگرد. زیرا هنگام تحقیق نیازمند است زندگی آنان را بداند و درجه کیفیتی که او را با «ناباوران» از طریق گروه‌های تبلیغی و تجارتمی و مهاجرتی و نظائر آن ارتباط می‌دهد بشناسد. بطور کلی دین‌شناسی کاردان ممکن است در ارتباط با «ناباوران» نسبت به هر دو دین بی‌تفاوت باشد یا با سایر ادیان با دشمنی رفتار کند که یا نظیر دین مسیح در قرن وسطی دارای نظریه و اصول علم‌نظری گردد که بیشتر این کار به نقش انفرادی اسلام شباهت دارد زیرا می‌خواهد معتقدات دیگران را رد کند و در سطح پائین تراز خود قرار دهد.

ولی ناگهان مقام فلسفه نسبت هر قدر هم جزئی باشد در قلمرو دین نمایان می‌گردد و چنین بنظر میرسد که شرایط موجود محکوم به تغییر است بهمین جهت مقامات روحانی و دانشمندان تطبیق ادیان همواره به سختی با

(۱) - برای تاریخ تطبیقی تحقیق دین رجوع شود به :

L . H . Jordan : Comparative religion , 1905

H . pinard de la Boullaye : L , Etude

comparée des Religions (Thed . 1929

J . de Vries : the study of Religion : a historical approach (1967)

امیدوارم در ۱۹۷۲ کتابی تحت عنوان زیر انتشار دهم :

A Hundred Years of Comparative Religion

یکدیگر همکاری داشته‌اند ولی در اواخر قرن هجدهم و اوائل قرن نوزدهم این عدم همکاری هر روز بیش از گذشته جای خود را به همکاری داده است. مخصوصاً بیشتر در میان خردمندان پروتستانی مغرب زمین ابتدا بنام اصالت عقل و سپس تحت عنوان « اصل استقلال فرد » در همان زمان گسترش نفوذ دول مغرب زمین در نقاط مختلف جهان مردم غرب را با دانش‌های بسیاری روبرو ساخت و آنان را به معتقدات دین و رفتار سایر مردمان و نژادها آشناساخت. علاقه شدید به نقاط دوردست جهان و خسار از قلمرو دیانت مسیح موجب گردید تا عده‌ای بدون ددرس و هیاهو وفاداری خود را بکلیه مراسم ادیان اعلام دارند. پیشوایان تطبیق به ندرت از دینی مخصوص پیروی کرده‌اند و یا هرگز بدینی مخصوص گرایش نداشته‌اند و بهمین جهت برای توضیح درباره بدگمانی‌های مؤمنان راه‌های دشواری را پیموده‌اند زیرا دانشمندان علوم الهی (در جامعه مسیحی) همواره نسبت به دین شناسان تطبیقی بدگمان بوده‌اند. (۱)

دومین نیروی سازنده « تهیه مواد » است. کافی است بطور مختصر یاد آوری گردد که این عامل بسیار پیشرفت کرده است. قرن نوزدهم دوران بزرگ پیشرفت باستانشناسی و زبان‌شناسی و مردم‌شناسی و کلیه دانش‌هایی است که مواد خام آنها به تحقیق دین کمک می‌کند. در نیمه قرن نوزدهم در کلیه حوزه‌های تحقیقات دینی مدارک بسیار غنی بدست آمد و میتوان گفت ابتدا در کشورهای مدیترانه‌ای و سپس در هندوستان و اقوام ابتدائی و سایر نقاط جهان آنچه باید طرح گردد و طبقه بندی شود ترتیب یافت و از آن عامل سوم بوجود آمد که « روش » نام دارد.

یواخیم واخ برای روش تحقیق در دین دو امر مقرر میدارد: نخست

(۱) - نمونه ای از این داوری را میتوان در کتاب زیر یافت :

صفحه ۵۷ (۱۹۲۰)

F. Weston : the christ and his critics

تحقیق و تطبیق ادیان مانند روانشناسی اندیشه‌های نوین و آزاد است .

آنکه روش باید متحدالشکل باشد دیگر آنکه روش برای موضوع تحقیق کافی باشد (۱) بزبانی دیگر روش باید جامع باشد و کلیه نمونه‌های مربوط به معلومات پدیده دین را دربرداشته باشد یا چنین بنظر برسد که دربردارد. تنها این روش در نیمه قرن نوزدهم برای اندازه‌گیری هرگونه پدیده دین در دسترس دانشمندان غرب قرار داشت و آنها را با قلمرو چوبین الهام مسیحیت روبرو ساخت. دلیل عامل اصلی دین وجود خدا در شخصیت عیسی مسیح بود ولی چنانکه گفتم یکی از انگیزه‌های تحقیق تطبیقی ادیان همواره جدائی محقق از دین اصلی خودش است در قرن نوزدهم دانشپژوهان عامل اصلی دین مسیح را می‌پذیرفتند ولی آنرا طوری تعبیر و تفسیر می‌کردند که گوئی آنرا باور ندارند.

اکنون در این سالها مقولات وحی از اقلیمی به اقلیم دیگر می‌رود و مقولات اصلی جای آنها را می‌گیرد خدای ظاهر (دین مسیح) جای خود را به خدای جهان می‌دهد. این مرحله دنیوی که آغاز آشنائی با آن قرن نوزدهم است بطور شکست‌ناپذیر رو به پیشرفت است و از شکل ساده بصورت ترکیب معتقدات در می‌آید یا بکلامی دیگر تکامل می‌یابد.

انسان لازم نبود دانشمند علوم الهی باشد و از نیروی مکتب داروین «تطور» قدردانی کند (شاید درست‌تر باشد که مکتب اسپنسر گفته شود). دوران پیشین بهتر ترتیب در تاریکی بسر می‌برد و از پیشرفت بهره ای نداشت. شارل داروین به جهان اعلام داشت که تطور چگونه ایجاد می‌شود. هربرت اسپنسر و هوکسلی و بنجامین کید و دیگران به جهان اعلام داشتند که باید تطور صورت پذیرد. همانطور که صورت پذیرفته است و هیچیک از وجوه زندگی انسان از آن معاف نیست اندیشه تطور باشوق فراوان مانند کلیدی است که می‌تواند هردری را باز کند و در میان نسل بشر ادامه یابد و باب دین نیز از آن استثناء نیست. تکامل انگیزه و مواز را با یکدیگر ترکیب کرد

و روشی کاملاً کافی نمایان ساخت و دانش‌های نوین را بوجود آورد. یکی از اینها «مردم‌شناسی» بود که سپس درباره آن مارت‌نوشت: مکتب‌داروین تطوّر را امکان‌پذیر میدانند. بنا براین رد کردن هدف اصلی مکتب داروین زد کردن مردم‌شناسی نیز میباشد (۱) امر دیگر علم دین یا تطبیق ادیان بود. در سالهای اول قرن بیستم ارتباط تطبیق ادیان با نظریه تطوّر آنقدر تکمیل شد که بصورت امری بیدیهی در آمد. در سال ۱۹۱۳ مولف کتاب دستی مردم‌پسند چنین اظهار داشت. هم‌اکنون بررسی کامل تاریخ دین در این اندیشه بزرگ تطوّر قرار دارد. در بنیاد هر کوششی که برای بررسی مراتب حقیقت شود این عقده محکم در تطوّر وجود دارد که نمونه‌های ضمنی فساد تدریجی یا انحطاط تا حدود امکان نشان آن است که نهضت عظیم امورا انسان ازخامی و سادگی به تهذیب و تربیت بیشتر به پیش می‌رود و گسترش میآید (۲) نویسنده این کتاب دستی کرپن فتر تر در نوشته مذکور درباره تاریخ دین سخن گفت این کتاب دستی «دین تطبیقی» نام داشت هر دو اصطلاح کم و بیش بیک امر دلالت دارد تحقیق تاریخ دین همراه با روش تطبیقی علمی مرکب که در آن نمونه‌های تکامل را میتوان مشاهده کرد و استادانه نمایان ساخت و در آن تاحدودی که با دین ارتباط دارد معنی مرحله تکاملی را

صفحه ۸ - R. R. Marett . Anthropology (1911) 1

2- J. E. Carpenter : Comparative religion ۱۹۱۳

صفحه ۳۳

همین اصل را C. p. Tiles در اثر خود

(1877) Outlines of the History of Religion

تکرار می‌کند و می‌نویسد کلیه تحولات و تغییر اشکال در ادیان نتیجه

رشد طبیعی است و در آن می‌توان بهترین توضیح را یافت. تاریخ دین قوانین

موضوعه‌ای را نشان میدهد که با آن این پیشرفت بررسی و تحقیق میشود.

تشخیص داد (۱)

این معنی را میتوان بطرق مختلف بیان کرد که در آنها آزاد سازی ترقی خواهی از امور فوق طبیعی نهفته است مانند: اظهار نظر او گوست کنت و دور کیم و فرایز را پیشرفت تدریجی بسوی مذهب آزاد بخواه پروتستان. نظیر آنچه ماکس مولرو برخی دیگر از آزاد بخواهان گفته اند. با وجود این ما بیشتر با استاد اسکاتلندی الن من زاین موافقت داریم که می گوید « دانش ما در صدد است به ادیان جهان دست یابد مانند تجلی دین جهان (۲) بعبارت درست تر تطبیق ادیان می خواهد فرد را عقب تر از جمع و یگانگی را در پس اختلاف و اصل یا جوهر دین را پس از پدیده ادیان قرار دهد.

هنگامیکه درباره هر یک از ادیان سایرین تحقیق می شود این تحقیقات همواره با توافق دینی که در زمان تحقیق محقق حاکم و نافذ است کاملاً ارتباط دارد. این امر ممکن است بدیهی بنظر برسد ولی اگر چنین است دلیل غفلت است زیرا دین شناسان تطبیق ادیان برای پایه استدلال خود در پیشرفت دین مدیون نظریه تصور میباشند و برای بیان نظام معنوی خویش مانند نمونه ها و پدیده های دینی و توجه به سنن و رویه ها مرهون عصر روشنگری هستند چنین پیشرفتی را نمی توان در اینجا بیان کرد ولی بطور خصوصی استاد کانت ول اسمیت آنرا در بخش اول کتابش « معنی و هدف دین » آورده است (۳) لازم است یادآوری گردد که بیشتر لغات جدید نظیر هندوئیسم و بو- دیسم و کنفوسیائیسم و تائوئیسم و آیینیسم و مانند آنها بطور کلی مجموعه ای از کارهای قرن نوزدهم است. در حقیقت هر یک بخشی از مرحله ایست در پیشرفت راه تصور. شاید بتوان گفت این مورد هنوز بر سر دوراهی قرار دارد. در موارد بسیاری با مدارکی روبرو می شویم که نسبت به آنها بدگمان میباشیم و نمیتوانیم آنها را بپذیریم. ناچار یا آنها را دروغ می پنداریم یا نامربوط

(۱) - داوری مطلوب تکامل عمومی است از اینقرار. دین تطبیقی علمی است که ادیان مختلف جهان را مقایسه میکند برای اینکه توافق درست و تفاوت آنها تشخیص دهد.

(۲) A . Menzies : History of Religion
(4th ed . 1911) صفحه ۵

(۳) W . Camtwell Smith : the Meaning and End
of Religion (Mentor ed 1964) فصل دوم و سوم

میدانیم و یا هر دو آنها (۱)

در سالهای پیشین چنین بنظر میرسد که بیان دو امر « روش » و « هدف » بررسی توافقی ارزنده وجود دارد ولی بخلاف آنچه ما لازم میدانیم مقصود از تطبیق ادیان هیچگاه متحدالشکل ساختن چنین نظامی نیست . چون مدارک و اسناد بسیار است ناچار بخشهای گوناگون به وجود میآید و هر یک پایه های نظری مسأله را تشکیل میدهد . ما کس مولر تقسیم ساده زیر را پیشنهاد می کند (۲)

۱ - الهیات تطبیقی Comparative theology

۲ - الهیات نظری Theoretic Theology

کنت گوپلت با تبعیت از نورطرفدار فلسفه اصالت عقل در قرآنسه چنین

طبقه بندی می کند :

۱ - دانش توصیفی در امور مقدس .

Hierography (a descriptive Science)

۲ - دانش تطبیقی Hierology (a Comparative Science)

۳ - دانش نظری Hierosophy (a speculative science)

در هر حال این نوع تقسیم بندی نامناسب و غیر کافی بنظر می رسد (۳) بنا بر این آشکار است که از میان رفتن قلمروی یک پارچه تا اندازه ای مناسب است حال باید دید برای دیگر تقسیم بندیها چگونه باید اندیشید ولی هنگامی که تقسیم بندی جغرافیائی و زبان شناسی و تاریخی پیشنهاد گردید تقسیمات دیگری بر بنیاد کیفیت اسناد و مدارک ترویج گردید .

در این حال چون قلمرو تحقیق ترتیب یافت بصورت میدان نبرد ادعاها جلوه گر شد بطوریکه هر از مدرسه بیرون آمده ای به خود نمائی آغاز کرد و نظر خود را در معنی و هدف دین نفوذ داد .

هر یک ذر باره رقبای خود بد تفهیر و تعبیر کردند و گروههای گوناگونی بوجود آمدند که می توان به منابع آن در قرنهای نوزده و بیست مراجعه کرد . در سالهای پیشین سده کنونی مکاتب مردم شناسی و روان شناسی و جامعه

(۱) یک مورد برجسته که بتوان نام برد نظریه Andrew Lang در کتاب

The Makiny of Religion در سال ۱۸۹۸ می باشد .

۲ - F. Max Muller: Introduction to the Science of Religion (1873)

۳ - رجوع شود به مجموعه مذاکرات سومین کنفره بین المللی تاریخ ادیان

اکسفورد ۱۹۰۸ اظهارات H. Pinard de la Boulaye

شناسی وجود داشت. گرچه اعضاء مکتب religionsgeschichtliche Gottingen در عمل هیچک تاريخ شناسی دین نبودند ولی همه آنان تاریخ ادیان Religions geschichte را شمار خود قرار دادند. در سال ۱۹۱۲ و ۱۹۱۳ مکاتب نوین رسمی به تدریج پدیدار شد دورکیم اشکال اصلی خویش و ایشمیت جلد اول Ursprung خود را منتشر کردند فریوید و یونگ نیز توجه خویش را به مسائل دین آغاز کردند (۱)

تطبیق ادیان روی هم بصورت ترکیبی عظیم جلوه گر گردید. در یک طرف از حالت خصوصی درآمد و بشکل امری عمومی درآمد از طرف دیگر بنیادهای آن بسیار متزلزل شد. بعلاوه پیشقدمان نقد آغاز کردند و تطور کامل مسائل آن جدا مورد بحث قرار گرفت آثار این تزلزل اختصاصی هنوز هم همواره باماهمراه است. تطور ادیان همواره با تطور زیست شناسی مشابهت نداشت بلکه در دوران خوش بینی موضوعی اطمینان بخش بود خصوصا از هنگامی که اهل این فن برای خویش مشکلاتی بوجود نیاوردند و روش آنان تا سرجه کنونی بسیار پیشرفت کرد (۲) امروز نیمه دوم قرن بیستم دو جنگ جهانی بخود دیده است. اصل خود مختاری دولت بر کلیه شئون اجتماعی به سستی گرائیده است و ما دیگر چندان به خوش بینی اعتماد نداریم بعلاوه دانش روز افزون موجب شد تا در برخی مسائل دین شناسان تطبیقی پیشین راه یابیم. این روش که دارای نظامی اصیل و ریشه دار است گرچه سودمند بود ولی امروز دیگر کهنه است و در برخی موارد چنین بنظر می رسد که بیش از حد معمول متداول بوده است.

همراه با چنین وضعی سخت از تعریف نوین شناخت مشکلات مهم دین بمیان میاید و موجب نگرانی دینداران مغرب زمین می گردد که الهیات خویش را حق و نا محدود میدانند. رودلف اوتوالین کس نیست که به عامل غیر معقول در دین توجه کرد ولی درسی بماداد که بطور دقیق دانشمندان بود. (۳)
(ناتمام)

۱ - Eliade : the Quest , History and Meaning in Religion (1969)

۲ - G . S . Hall : Life and Confession of a Psychologist 1923

صفحه ۵۹۶

۳ - رجوع شود به ترجمه انگلیسی Das Heilige که در مقدمه آن oHo عقیده خود را در این باره مینویسد .